

**دلاور تنگستانی** یا **انگلیسی‌ها** چه کرد؟

**جوانی داد زد: می خواهیم رئیسعلی بشوما**

«ردم جنوب ایران، همیشه حافظ کشور بوده‌اند»، این، توصیف «حمدشاه» است از مردم جنوب توصیفی که چندان به مذاق مستتر «چیک» انگلیسی خوش نیامد او مدعی این حرف را بسیرا پتتر از شخص شاه می‌فهمید. گورستان سربازان انگلیسی در بوشهر که در نزدیکی محل حملت مستر چیک قرار داشت، پتتر تایید می‌دود بر کلام شاه. پتتر سال ۱۹۲۴، یعنی یکسال پس از آغاز جنگ بزرگ، بوشهر برای سربازان انگلیسی دروازه‌ای بود به چنگم. هر روز تعدادی سرباز یا افسر انگلیسی در نبرد، کین با شلیخون ایلات و عشایر منطقه کشته می‌شدند و فرماندهان انگلیسی ناتوان از کنترل اوضاع مدام در خواست نیروی کمکی می کردند در میان آنها اما سیاستمدار جوانی بود به نام «هربرت چیک» که به پناهت سارلور حرف مردم جنوب نیستادو که در غیاب دائمی کنسول بریتانیا در بوشهر، علاوه برایروسیست‌گذارانی نیروهای انگلیسی در جنوب ایران قلمداد می‌شد، به دنبال سلاحی نامرئی می‌گشت که ایرانی‌ها توان مقابله با آن را نداشته باشند، سلاحی که عقیق آن را یافت. بوشهر آن روزگار، اصلی‌ترین دروازه ورود کالا به جنوب ایران بود. مستر چیک با مسدود کردن میدانی ورود کالا به بندر بوشهر، نهض اقتصاد شهر را به دست گرفت. سعی افسر ارجمیر کرد تا در بازار در در میان مردم آشوب و بلوا به راه بیندازد. چیزی نگذشت که یک قطعی مصنوعی در شهر به راه افتاد. مستر چیک دربارهٔ واقع آن روزها، در دفتر مطراطتی می‌نویسد: «یکی از راههای مهم ایران، ماه مشغول کردن آنها با فقر است. نیک‌احسنی کمند، درزوروری آنها استنادمید. اگر بی‌خیالی‌شان تبدیل به تعبص شود، آن بابت اقدامات اقتصادی در بوشهر، نتیجه‌ای نداشته‌اند. مستر چیک در بیان آنها اختلاف بیندازیم. مستر چیک در بیان آنها اختلاف نااختن میان ایرانی‌ها اسان است.»
مستر چیک سربازان فارس را با گوش محلی مردمان جنوب ریان می‌کرد، می‌ویسلطه با خان‌های منطقه تقویت‌سواستت داشتت و همزمان بر هر یک از آنان جوسفاسی مگرداد بود تا از کوچک‌ترین تصمیماتشان آگاه شود. با این همه بخوبی می‌تاست میان او و بیروز، یک پل فرسوده‌ای قرار داد. یکی از نتحنن سیاسیمدار انگلیسی، بلکه رهبر آلمان‌ها و حتی ترکان عثمانی، همه در آرزوی فتح آن بودند.



در گوشه‌ای دیگر از دستنوشته‌های مستر چیک می‌خوانیم: «هن جامعه در اختیار مملاتست از حاکم تا فردوست، همه دل در گزرو آنها دارند. ملای کی شاید نداند، چه در دنیا می‌گذرد. آنها در کلافی دوسویه اسپرند. همه باید ابرشته بود. به نام اسلام را حفظ کنند که نمایندگان ترکان سنتی مذهب عثمانی هستند و همه باید ابرشته‌ای آیینی به نام شیعه را حفظ کنند. اگر رو به اولی آوند باید در برابر ما بایستند و اگر دل به دومی بینند، باید در کنار ما طرف گیرند. باید حافظ می‌بوفی ایران. در این جنگ شاید بود. به نوعی دره میان آنها راه یافت و آنها را به سوی دوم گرایش داد.»
مستر چیک بخوبی می‌تاست در نبرد واقعی تازه آغاز شد.

اواسط بهار سال ۱۲۴۴، بوشهر به حالتی از افقا فرو رفته بود. عوامل مستر چیک بارز را به مرز تعطیلی کشانده بودند و مردم به جای پرداختن به کسب‌کار، هر روز در هوای گرم و شرجی مقبول نهارتا نهار، لافخانه جمع می‌شدند. آن آخرین رویدادهای جنگ‌بزرگ و تدبیر پایتخت‌نشینان باخبر شوند. در این همهمه البته گزارش شایعات هم فاع بود. بیشتر از همه دلدان خداب تعقیب و گریز مین مالوران مستر چیک جانسون الملی، فرانسوی کنسول بریتانیا دربارهٔ دیگر انگلیسی‌های آن زمان می‌نویسند: «بیروز برامیم خبر آوردیم ملای به نام «سیدعبدالله بلادی» در جمعی از مردم گفته است: باید بر این مملکت گریست. خواست‌گارش دربار شاه گرایش برامی تهیه کشته». پس از آن مهران این روحانی میباسباد. بزرگ‌ترین دفعه‌ه مستر چیک شد.

او سیدعبدالله بلادی از بسیاری جهات حریف فوری برای چیک دیگر بودند. چیک به زبان فارسی تسلط کامل داشت. انگلیس که سیدعبدالله به زبان انگلیسی مسلط بود. چیک ازاع داخلی ایران را به دقت رصد می‌کرد و با زیر زم و روحیات ایرانی آشنا بود. به همان میزان سیدعبدالله دنیاوی غرب و میانیشتن را می‌شناخت. چیک همیشه ایدان فارسی بود و تا قبل از مرگ یکی از ارزشمندترین کتب بزهوشی در این حوزه، واگانتت سیدعبدالله تاریخ ودین را می‌شناخت و تا تلخیص برگ قریب به ۸۰ کتاب نگاشت. آنها هر ۲ تحولات جنگ را به دقت پیگیری می‌کردند و بر بر طرفی ایران اسرار داشتند. اتفاق‌ظفر چیک و سیدعبدالله بلادی بر سر بر طرفی ایران، تنها در یک بند با هم متفاوت بود. مستر چیک می‌طرفی ایران را به معنای سکوت دولت در برابر کارهای انگلیس در ایران می‌دانست. در حالی که سیدعبدالله می‌طرفی ایران را به معنای محترم نشمرن تمامیت ارضی ایران از سوی همه فرقیون درگیر و خروج افور آنها از کشور، این ۲ به سرعت به بزرگ‌ترین دشمن یکدیگر بدل شدند. اما دست بالا با بسید بلادی بود. ثقف و بر عام و خواص به خاطر سلسله‌ی مستقیم سلط بود. چیک با حکومت می‌کرد. پیش از آنکه مستر چیک نوبت اقدامی بکند، با حمایت‌های مالی خیرین بوشهر و همدلی سرن قبایل منطقه، اسلحه مورد نیاز برای قیام مهیا شد. اینجابود که نام یک خان‌دهه و روستایی را یکی از مناطق بوشهر بر زبان‌ها انداد: «رئیسعلی» اهل دلوار. از بوشهر تا فارس، همه قیایل علیه نیروهای انگلیسی برخاستند و این شروع روزهای تاریخ‌سار بود. روزهایی که اتحاد میان خله انگلیسی‌ها را به وحشت انداخته بود. آن روزها، همه امید مستر چیک به ناهایی بود که در چندصد مترى ساحل بوشهر لنگر انداخته بودند. او در جایی می‌نویسد: «آنچه در انتظارش بودیم، روی داده، ساعت ۷ صبح امروز، نیروهای ما از بوشه مستر در کرانه دریا پیاده شدند و پس از ساعتی، بندر بوشهر را اشغال کردند. کنترل کامل شهر اکتون به دست مااست و باقتل بوشهر، شهر کاملا تعطیل شده است. در نخستین اعلامیه‌ای که صادر کردیم، دلیل بیان شدن نیروهای ما در بوشهر و اشغال شهر را پاسخی به رویدادهای اخیر اعلام کردیم. در این اعلامیه، رئیسعلی را مقصر اصلی ماجرا دانسته، به او مهلت دادیم تا فرادا صبح خود را تسلیم نیروهای ما کند. در غیر این صورت برای آغاز عملیات سرکوب او و لشترای چون او، دلوار و نخلستان‌های بیروانش مبارزان خواهند شد.» رئیسعلی تسلیم نگشد. روز بعد، ۴ نفر جنگی بریتانیا در سواحل دلوار لنگر انداختند. مستر چیک ۵ هزار تفنگکار انگلیسی و ۱۰۰ تفنگدار تنگستانی، با عقب‌نشینی خندبار نیروهای انگلیسی پایان یافت. بعد از این واقعه چیک می‌نویسد: «رئیسعلی شخصیت شگفتی است. می‌گویند دشمن قلم خورده جسد قیاب او یک فکر می‌کردم به کتابان نان و نوابی است، در جستجوی راهی برای قطع کردن دست برای خاموش ساختنش، در این زمینه کارهایی کردم و پهباهای دادم. چند بار کوشیدم که او بروی او سی و سه جوشمن کوشیتم ولی کسی نتواند با یاد ایرانی برای آن میان برودندم. پیا پیدا کرده» این بار نیز سلاح نامرئی مستر چیک به کار آمد. او در جایی نوشته بود: «ان کس را که برگزیده بودم کار تمام کرد. تمام شد. یکنی رفته. رئیسعلی کشته نشد. در میان غلب گبری، تیری و فریادی و مرگی، یابانی بر یک ماجرا، باید فقیهه سر می‌دادم ولی نمی‌خواهم فردا درباره او، من و او خاک چ خواهند گفت؟ من و او جنگندگی و کس فردا درباره آن کار کرد. این انداخته خود خواهند گفت.» مستر چیک از آن ماجرا تمام ندانم بود. تازه آغاز شده بود. چند روز پس از کشته شدن رئیسعلی، رئیسوزیر، افسر مسودی ازبانی‌زری که همچون قسوم‌قایل منطقه را علیه‌انگلیسی‌ها تحریک می‌کرد. در دفتر مطراطشت اینگونه نوشت: «همگن ترک و کسان ترکان در صلبای مرد زد. اول بلند فراد و کشور را به می‌خواهم رئیسعلی بشوم. یعنی گلپور را گرفت. خداحافظ دلوری کردیم و از آنجا رفتیم.»

سلاح نامرئی مستر چیک، با کشف اختراع شاه مترو، «کارگران» مهدی فارسی «بهیشتی از متن مستند خاتره‌ی خان فرزند مترو»، کارگران» مهدی فارسی

از «دلیران تنگستان» چه می‌دانیم؟

# رئیسعلی، دلوار، ۱۲۹۴

حضور ناوان انگلیس در خلیج‌فارس، علمای نخب‌اشرفان از جمله آیت‌الله شیخ‌اشریعه اصفهانی و سیدمصطفی کاشانی را به صدور حکم جدید داد.داشت.

مجاهدین اقلیم بوشهر، مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله بلادی، سیدمرتضی گلپوشه‌ای و شیخ محمدحسین برازجانی نیز مردم را به جهاد با کفار روس و انگلیسی ترغیب و ترخیص کردند. تنگستانی‌ها به فرماندهی رئیسعلی دلواری، اولین واکنش‌ها را نشان می‌دهند.

نیروی دریایی انگلیس بوشهر را به عنوان پایگاه دریایی برگزیده و «هاوزر کاسک» به عنوان نماینده سیاسی و نظامی انگلیس در بوشهر مستقر کرده بود. ۲۰ ماه قبل از اشغال بوشهر، کاسک نمایه به شیخ محمد حسین برازجانی نوشت و با تهدید و تضمین، سعی در هماهنگی کردن او با سیاست‌های دولت انگلیس کرد که با پاسخ دندانشکی وی روبرو شد. پاسخ دلیرانه شیخ رئیسعلی دلواری را بسیر شدانام کرد. رئیسعلی طی نامه‌ای به شیخ محمد حسین برازجانی، در خصوص تقبیر از جواب گفتاری وی به فرمانده سیاسی و نظامی انگلستان، می‌نویسد: «ای سه فدای همت و غیرت و شجاعت گه‌م. مردم قدر اطمینان را که حضرت مستجاب عالی درام که روا مضایق از خط بیرون نمی‌ویید و باید با ناقلین می‌دایدند نه مانند اشخاص ارحاحطبل تنبل. راحت این دنیای فانی را به هیچ نمی‌شمارد. و نام نیک ابدی به غیر از جان شریین نیست، نه آنکه هرعباده، هر وقت طرف مقابل، مثل گربه را سزاقت و مومو کرد، مثل موش بیرون شد. اینگونه احساسات، قایل همدردی با اسلاد و وطن نیست. در تاریخ دنیا چنین اشخاص را نگ عالم انسانیت دانسته‌اند. امروز روزی است که هر کس ادعای شرف و اسلامیان و وطن‌پرستی دارد، نباید امتحان داده از بوته امتحان بی‌غش‌وغل به فرآید، چنانچه عقلا فرموده‌اند.

خوش بودر گر محک تجربه اید به میان، تا سسه روی شود. هر که در او غش باشد

انگلیسی‌ها انتشار می‌دهند که «فلان حمایت قنصول جرم دارد» به حوال برسانند اگر از مردم مایوس شده‌اید که همراهی نداریز اجازه بغرامید تا خود همگانه بلند کنیم و دست تک به کار شویم.»

انگلیسی‌ها به تصرف بوشهر پشند نمی‌کنند و در عملیات با آن کشتند ۴ تعدادی از کسب سرباز انگلیسی روستای ایلر، پایگاه تنگستانی‌ها را از دست بیرون حملات خود قرار می‌دهند. نخلستان دلوار نابود می‌شود و همین موضوع انگیزه نیروهای مردمی به رهبری رئیسعلی را برای مقابله با انگلیسی‌ها بیشتر می‌کند.

پناهگوز

۷۰ سرباز انگلیسی کشته می‌شوند و همین موضوع موجب عقب‌نشینی آنان به بوشهر می‌شود. خبر پیروزی رئیسعلی بهترانگیز است. پس از جنگ دلوار، قیام مردم علیه اشغالگران انگلیسی وارد مرحله جدیدی شد. مقاومت برخاسته از ایلر دلبران تنگستانی به رهبری رئیسعلی و شکست قوای انگلیسی در سراسر منطقه و کشور بچیچه و پرودی این خبر از مرزهای کشور فراتر رفت. سرن قبایل و حکام محلی به جمع‌آوری نیروها و امکانات خود پرداخته و منطقه تنگستان کاشند و محل جمع نیروها و برنامهریزی و صحنه اجرای طرح‌های عملیاتی است. «موسوی املانی نیز به علت درگیر بودن کشاورش با متفقین و تبعید کنسول آلمان از بوشهر به هند توسط انگلیسی‌ها، به کمک مجاهدان شتافته و تنگستان مستقر شد. دو در دیداری با زائر خضر خان اهرمی او را به خیزش دیگری روانه کرد. ۲۸ هن ژان به پاری رئیسعلی دلواری برمی‌انگیزد. تلغات انگلیسی‌ها بر اثر قطع‌های تلگرافی بی‌دری رئیسعلی بیشتر می‌شود.

اما رئیسعلی را مجاری دیگری پیش از آغاز جنگ با انگلیسی‌ها روبرو شده است. در سال ۱۹۱۲ یعنی یک سال قبل از شروع جنگ اول جهانی نیز جنگ مهمی بین دولت انگلیس و مجاهدان تنگستانی واقع شد که به خیزش فرادان‌شدی در کتاب «گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مسلمانه مردم مبارز تنگستان، دشتی و دشتستان» در اثر قطع‌های تلگرافی بی‌دری رئیسعلی بیشتر می‌شود.

بر اثر قطع‌های تلگرافی بی‌دری رئیسعلی بیشتر می‌شود.

ندای ارابه‌ای قبل می‌رسند و سلام به تنگستان مراجعت می‌نمایند. نمایندگی انگلیس در خلیج‌فارس به بهانه تحت الحمایه بودن دویی توسط دولت انگلستان، درخواست خروج نیروی را مینوی بر تعقیب افراد مذکور بگریزی می‌نماید. فرصت به دست آمده، دستنویزی برای نیروهای انگلیسی شده و کشتی خود را از تجهیزات و قشون فراوان در تعقیب زائر حسین روانه ساخته و در ساحل پیروزشای یک فرودگتت مستر مربوط به اهالی دویی را مورد حمله قرار می‌دهند.

عده‌ای ارابه‌ای قبل می‌رسند و سلام به تنگستان مراجعت می‌نمایند. نمایندگی انگلیس در خلیج‌فارس به بهانه تحت الحمایه بودن دویی توسط دولت انگلستان، درخواست خروج نیروی را مینوی بر تعقیب افراد مذکور بگریزی می‌نماید. فرصت به دست آمده، دستنویزی برای نیروهای انگلیسی شده و کشتی خود را از تجهیزات و قشون فراوان در تعقیب زائر حسین روانه ساخته و در ساحل پیروزشای یک فرودگتت مستر مربوط به اهالی دویی را مورد حمله قرار می‌دهند.

شکایت تجمار و مردم جنوب از بی‌کفایتی قاجار در مقابله با انگلیسی‌ها

## مگر ما ملت ایران نیستیم!؟

پسکی از بزرگ‌ترین جناباست انگلیس در ایران که به کمک روسیه انجام شد. قرارداد ۱۹۰۷ بود که در زمان نخست‌وزیری امین‌السلطان آتاکر در پترزبورگ، که پایتخت روسیه، به امضا رسید و بر اساس آن ایران به ۳ منطقه شمال روسیه، جنوب انگلیس و یک منطقه ظاهرا بی طرف تقسیم شد. در همین زمان هستر لنیون در مقاله‌ای که به قول «دلوار برابون» با اوضاع ایران آشنا بود، در مقاله‌ای که در شماره ماه آوریل مجله اسپران امپراتوری نوشت با نهایت گستاخی و بی‌شرعی در صدد تحقیر ملت ایران بر آمده، چنین می‌نویسد: «بایبیم امیدوار باشیم که این پیمان شاید ما را به مناسبات بهتری با روسیه رهبری کرده و بلکه از روی شالوده درستی ما را از ترس و ناگرمایی برهانند. می‌توسم تمایل به بهبودی روابط با ایران مشکل بشود؛ چه ایران مانند روح مردانه است که در ضیقانی که به احترام روسیه در این قرارداد بر ساخته‌ایم، ظاهراً شده باشد. وقتی نشاط این جنبه لوح گرفت و جاهاه به دور افتاده به سلاستی یکدیگر می‌میلد، می‌گردند این ملت کوچک که آثار هنر و هویت او بجایان را متور و توکلر ساخته است و دست‌کم انتظارات او پیش از اینکه این قرارداد امضا شده باشد، عهد شده بود، میان حیات و مرگ افتاده، پیچیده کناریش انداخته‌ایم. بدون اینکه شرکت داده شده باشد. تنها پیچاره به پای ما افتاده است.»

ملک‌مستکبرانه در کتاب «زندگانی ملک‌تکمکین» درباره انعکاس قرارداد ۱۹۰۷ در ایران توضیح می‌نویسد: «دولت ایران بوسه‌سلی وزارت خارجه و حسن پریزیا، مشیرالدوله، که در آن زمان سفیر ایران در دربار روسیه بود، به این معاهده اعتراض کرد و مجلس شورای ملی عدم رسمیت آن را معاقدش کرد که بر خلاف حق و عدالت و استقلال ایران بوده، اعلام نمود ولی کسی به این اعتراض جوابی نداد». بعد از این قرارداد بود که دیگر دیدار افکار عمومی جنوب کشور علیه استعمار انگلیس تهییج شد تا جایی که «هر روز وارند» فرامنده کل نیروهای دریایی هند فرستاد که در برابر انگلیس و بندرمنهای شیراز خیزش کردند. در فرخاستد زیرمختار انگلیس در سال ۱۹۰۷ در بندر دیار خود این بار بنادر اکتار گذشتت و پس از بنادر مسقط، بصره، کویت و بحرین دیدار کرد.

پس از صدور فرمان شرطوضویت در ۱۴ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ می‌شکل‌گیری مجلس شورای ملی، انجمن‌ها و رئیسعلی دلواری انجام شده، تولید شده‌است. پس از این مستندن برای نخستین‌بار اسناد واقعی و ناگفته‌هایی از جنگ‌های شهید رئیسعلی دلواری، سردار بزرگ مبارزه با استعمار در مصاف با متجاوزان انگلیسی ارائه شد.



رشاءخان چگونه زمینه یکه‌تازی در جنوب را فراهم کرد؟

**کیف انگلیسی در دشتستان**



رشاءخان که روی کار می‌آید، سر کوب عشایر جنوب را جدی‌تر پیگیری و با مبارزان جنوب بردهای خشن‌تری می‌کند؛ زائر خضرخان که مجاهدتهای فروانی همراه با رئیسعلی انجام داده‌است کشته می‌شود، برادران چاه‌کوته‌ای به تهریز و تهران کوچ داده می‌شوند، ایستانه مجاهد برازجانی به تهران تبعید می‌شود، سران اقل قبشایی روانه زندان می‌شوند و در سال ۱۲۰۸ تنها یازدهانه از تکران مقاومت در جنوب میرزا محمدخان برازجانی که در مفقل در شاهشاه حاضر به نوبن نمی‌شود با اعزام آردوی نادری به فرماندهی سرهنگ سلحشو و همراهی ختالان داخلی به شهادت می‌رسد.

پس با این اتفاقات و در تمام دوره رشاءخان، سیاست‌های استعماری بریتانیا با قوت اجرا می‌شود و کنسولگری‌های انگلیس در اصفهان، شیراز و بوشهر صاحب قدرت و اقتدار می‌شوند تا جایی که ازادانه به شهرها و روستاها رفت و آمد با سرن قسا و رهسو انگلیس مالات می‌کنند. بسیاری از خرابی‌های جنوب در نتیجه همین دخلات‌ها اتفاق می‌افتد. نتیجه دیگر حضور برقدتت انگلیس در جنوب ایران، تمرکز نمایندگان و فرمانداران دست‌نشانده بود که سال‌های فروانی موجب بدبختی مردم این منطقه شدند. به آتش کشیدن شهرها و روستاها و غارت اموال عمومی و تسلط مردوزان‌شان بر مدت یک سال بر سرنوشت مردم بوشهر، برازجان، کازرون، شیراز و سایر گوروشه‌های از غبر و خیلات انگلیس مگر برای موی بران کردن بوشهر و دشتستان است.

**مراکز قدرت و حکام هم عصر رئیسعلی**

### همرهان و ناهمرهان



حد فاصل انقلاب مشروطیت و جنگ اول جهانی (۱۲۳۴ تا ۱۲۳۳، قریب از اوضاع نواحی جنوبی فارس نیز سخت اشتز بود. تأثیر رخدادهای مرکزی بود، و رویارویی آزادی‌خواهان با مستبدان، رقابت سیاسی و خصمه، تعارضات مرزی میان ایالات فارس و حکمرانی بنادر، همچنین تلاش انگلیسی‌ها در جنوب کشور برای توسعه حوزه نفوذ خود و سیطره بر ایالات بزرگ فارس و نیز رقابت میان قدرت‌های محلی، همگی ویژگی‌های این دوره محاس جنوبی فارس بود. مراکز قدرت و حکام همعصر رئیسعلی دلواری در فاصله سنوات قرف بدین قرار است.

۱- **بوشهر:** (مرکز حکومت بنابر) ابتدا دست احمدخان درپایگی، سپس در اختیار میرزا علی‌خان موقرالدوله و بعدا درپایگی بود.
۲- **چاه‌کوته:** یکی از مضافات بوشهر در دست شیخ حسین‌خان چاه‌کوته‌ای از مبارزان ضداستعماری بود.
۳- **اکتالی:** دست احمدخان اگتالی بود که گرایش به اجنبی‌داشت.
۴- **دشتستان:** دست میرزا محمدخان فضلفرانسولیده بود که از مبارزان ضداستعماری محسوب‌شد.
۵- **تنگستان:** در اختیار زائر خضرخان بود که از مبارزان ضداستعماری می‌رفت.
۶- **دلوار و تنگستان ساحلی:** دست رئیسعلی دلواری بود که از بقیقمدان مبارزات ضداستعماری بود.
۷- **حیات‌دادود:** دست اسماعیل خان شباکاره‌ای بود، وی با بیگانگان همراه و مشغول جدال با غضنفرالسلطنه بود.
۸- **حیات‌دادود:** دست حیدرخان حیات‌لادودی بود که با بیگانگان همراه بود.
۹- **دشتی:** دست محمدخان دشتی بود که موضع قیالی در مبارزه دداشت.
۱۰- **دروخون:** از نواحی ساحلی دشتی بود که کدخدای آن خالو حسین بردخونی بوده و مبارزان ضداستعماری محسوب می‌شد.

رئیسعلی دلواری در انقلاب مشروطیت در کنار «سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی» مبارزه چشمگیری داشت و مدت ۴ ماه کنترل بوشهر را در دست داشت.

**اگر انگلیسی‌ها بخواهند بوشهر را تصرف کنند...**

### سوگندر رئیسعلی



رئیسعلی در نامه‌های متعدد به شیخ محمدحسین برازجانی، برای جهاد و قیام علیه قوای انگلستان، کسب تکلیف می‌کند که سرانجام مرحوم شیخ صوری از حکم جهادی که مراجع شیعه از رتخ اشرف زرسال داشته بودند به ضمیمه حکم مبنی بر وجوب جهاد با کفار انگلیسی و جلوگری از رخنه آنها به بنادر جنوب و دشتستان و تنگستان و لزوم همکاری خواتین این منطقه و بسیج مردم مسلمان برای رفتن به میدان جنگ مدادر می‌کند و برای هم به ایرانی‌های حادی می‌دهد. سیاست سرباز

رئیسعلی دلواری همین که از حکم جهاد مرحوم شیخ محمدحسین برازجانی و دیگر مراجع دینی آگاهی می‌یابد، امکان نبرد با امپراتوری انگلستان می‌شود و مقدمات کار را در خانه حدیج صاحب، محمدرضای کازرونی فراهم می‌کند. رئیسعلی همراه دشمنان خالص حسین دشتستانی اولیل ماه رمضان ۱۳۳۳ خود در عملیات حاج سیدمصطفی کاشانی، پس از مذاکراتی با ولی‌امامی بود، برای اداء ذایع از دفاع از بوشهر و جلوگری از پیشروی نیروهای انگلیسی اعلام می‌دارد. رئیسعلی پس از اظهار تشکر، قران مجید را می‌میلد و همین که خادم می‌آرد می‌خیزد و تعظیم می‌کند و با احترام تمام آن را روی جلوی خود می‌گذارد، نگاه رو به حاضران کرده و می‌گوید: «ای کلام‌الله، گفتار مرا شهادت باش. من به تو سوگند یاد می‌کنم که اگر انگلیسی‌ها بخواهند بوشهر را تصرف کنند و به خاک وطن من تجاوز کنند، در مقام مدافعه برآم و تا آخرین قطره خون من بر زمین نریخته‌است، دستت از جنگ و کشتن با آن کشتار را من غیر از این رفتار کنم، در شمار متکران و کافران رو به تو باشم و خدا و رسول و من بیزار شومند.»



**■ منوچهر آذر، یازیگر نقش «اوسموس» در سرباز «دلبران تنگستان»:** «قرار شد نقش سربازان ایلر ایلر کنم و برای ایفای این نقش مقدمات کردم.»
میچ ابلیز، حاصل نایبمد است و پهبانی‌ای بوشهر».

کارگزاران چهایی گمرک هیچ فوه و اختیاری از خود نداشتند و به جای اینکه نسبت به مردم محلی تسلخ کنند، برای انجام داده و آرزوید نیروهای انگلیسی به آن نواحی جلوگیری کنند. در چنین موقعی این نیروهای محلی و مذهبی بودند که در مقابل نیروهای خارجی می‌ایستادند و نقش رهبری مردم را بر عهده می‌گرفتند. این جمله از این آکسنلی مانند «آیت‌الله سیدعبدالله بلادی»، «آیت‌الله سیدمرتضی اهرمی» و «رئیسعلی دلواری»، «آیت‌الله سیدعبالحسین لاز» می‌چند تن دیگر بودند که طی آن سال‌ها به یحو منورولی قدم در میدان مبارزه علیه استعمار گذاشته و از هیچ کوشش و فداکاری دریغ نمی‌کردند. مثلاً در یکی از تلگراف‌های آیت‌الله سیدعبدالله بلادی و دیگر علما به مجلس شورای ملی ارسال می‌شود که نسبت به ورود کتیب انگلیس به نواحی جنوبی اعتراض کرده و حتی تا جایی پیش می‌روند که فکرند که این بین چه می‌یاند؟ رو به کجا نمیشد پناه می‌دادیم؟».

«عرض داشتد ورته سادات شباکاره چقدر از ظلم و ستم‌های کارگزاروی انگلیسی‌ها در حق ما تلگفردگان عرض نموده‌باشیم اما در می‌تاست نموده هر چه انگلیسی‌ها به آنان می‌گویند رفتار می‌نمایند. آخر تقصیر و گناه ما چه می‌باشد؟ ما مگر ما ملت ایران نیستیم؟ نباید کارگزاروی همراهی با ما

<sup>[1]</sup> «ملک‌اسان ویسی» ساخته شد

<sup>[2]</sup> «ملک‌اسان ویسی» ساخته شد